

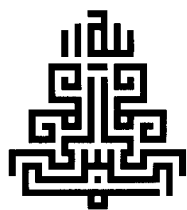


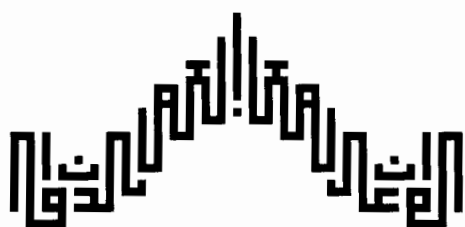
میزان الحکمایہ

ابن خاتم محمد بن عزالی

تصحیح و تحقیق
میرزا حسن

بامداد
محمود علیزادہ کاشانی





www.molapub.com



[molapub](https://www.instagram.com/molapub)



<https://t.me/molapub>

میزان العفایہ

ابو حامد محمد غزالی

تصحیح و تحقیق

میرزا حسینی

عضو هیئت علمی دانشگاه الزہراء

بہار کای
محمود علیہ السلام



آمارات ملی

سرشناسه: غزالی، محمد بن محمد، ۴۵۰ هـ.

Mohammad ibn Mohammad Ghazzali

عنوان و نام پدیدآور: میزان العقاید / نوشته ابو حامد محمد غزالی / تصحیح و تحقیق مریم حسینی، با همکاری محمود علیزاده کاشانی.

مشخصات نشر: تهران: مولی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۲۷ ص، ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-600-339-144-4

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابخانه: ص ۱۲۴ ۱۲۷.

یادداشت: نمایه

موضوع: عرفان -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

Mysticism -- Early works to 20th century

موضوع: تصوف -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

Sufism -- Early works to 20th century

شناسه افزوده: حسینی، مریم، ۱۳۴۱، مصحح

شناسه افزوده: علیزاده کاشانی، محمود، ۱۳۳۳، مصحح

رده بندی کنگره: BP2۸۲/۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۸۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۶۵۸۲۲

اطلاعات رگورد کتابشناسی: فیا



تهران: خیابان انقلاب - چهارراه ابوریحان - شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳ - ۶۶۴۰۰۷۹ - ۶۶۴۰۰۰۷۹

وبسایت: www.molapub.com • اینستاگرام: molapub • تلگرام: molapub • ایمیل: molapub@yahoo.com

میزان العقاید • ابو حامد محمد غزالی

تصحیح و تحقیق: مریم حسینی (عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء) • با همکاری محمود علیزاده کاشانی

چاپ اول: ۱۴۰۰ = ۱۴۴۳ • ۵۲۰ نسخه • ۳۵۰/۱
۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۱۴۴-۴ ISBN: 978-600-339-144-4

طرح جلد: علی اسکندری • حروفچینی: دریاچه کتاب • لیتوگرافی و چاپ: کامیاب • صحافی: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



انتشارات مولی
۱۲۰۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۹	سال شمار زندگی امام غزالی
۱۰	جایگاه غزالی در تاریخ و فرهنگ اسلامی
۱۳	آثار غزالی
۱۶	رساله های فارسی غزالی
۱۸	روایت غزالی در رساله میزان العقاید
۲۳	تفسیر آیه (کلمه و شجره طیبه)
۲۵	نظام دهگانی طبقه بندی میزان العقاید
۲۵	دلایل انتساب میزان العقاید به غزالی
۲۶	میزان العقاید و میزان العمل
۲۸	میزان العقاید و معیار العلم
۲۹	نظریه های مربوط به لفظ و معنا در میزان العقاید و معیار العلم غزالی
۳۱	میزان العقاید و کیمیای سعادت
۳۸	میزان العقاید و نصیحة الملوک
۴۱	جهان شناسی غزالی
۴۳	ابیات فارسی و عربی در میزان العقاید
۴۴	معرفی دستنویس های میزان العقاید
۴۶	ویژگی های سبکی رساله میزان العقاید
۴۸	برخی مختصات رسم الخطی دستنویس ایاصوفیه
۴۹	روش تصحیح
۵۱	تصویر صفحاتی از دستنویس های رساله میزان العقاید
۵۵	رساله میزان العقاید من تصانیف امام کامل محمد غزالی نور قبره
۵۵	مقدمه
۵۶	آغاز رساله

۵۸	شاخ اول از شجره طَیِّبه نطق است.
۶۰	ثمره نطق سیادت باشد.
۶۱	شاخ دوم عقل است.
۶۲	ثمره عقل مروت است.
۶۳	شاخ سیوم علم است.
۶۵	ثمره علم تواضع است.
۶۶	شاخ چهارم حکمت است
۶۷	ثمره حکمت شرف است.
۶۸	شاخ پنجم فکرت است.
۶۹	ثمره فکرت بصیرت است.
۷۰	شاخ ششم همت است.
۷۲	ثمره همت سخاوت است.
۷۳	شاخ هفتم معرفت است.
۷۴	ثمره معرفت شکر است.
۷۵	شاخ هشتم اخلاص است.
۷۶	ثمره اخلاص صدق است.
۷۷	شاخ نهم محبت است.
۷۹	ثمره محبت عشق است.
۸۱	شاخ دهم رضا است.
۸۲	ثمره رضا عدل است.
۸۵	فصل [ثمره عدل ولایت است]
۸۶	فصل در خاتمت رساله:
۸۹	تعلیقات کتاب میزان العقاید امام محمد غزالی
۱۱۱	فهرست‌ها
۱۱۱	فهرست آیات
۱۱۳	فهرست احادیث
۱۱۵	فهرست ابیات
۱۱۶	فهرست اشخاص
۱۱۷	فهرست لغات و ترکیبات
۱۲۴	فهرست منابع

پیشگفتار

شکر و سپاس فراوان، به عدد ستاره آسمان، و قطره باران، و برگ درختان، و ریگ بیابان، و ذره های زمین و آسمان، مر آن خدای را که یگانگی صفت اوست. و جلال و کبریا، و عظمت و علا، و مجد و بها، خاصیت اوست.

سخن را با تحمیدیه زیبای کتاب کیمیای سعادت امام محمد غزالی آغاز کردم تا در ادامه آن سپاس گویم آن خداوندی را که این نعمت را نصیب و این فرصت را فراهم کرد تا با رساله ای از یکی از اندیشمندان این سرزمین روزها و شب هایی را سپری کنیم و از روایت دلکش آن لذتی وافر یابیم که کیمیای سعادت ابدی را در خود جمع آورده است. رساله کوتاهی که هرچه بیشتر مورد مطالعه قرار گیرد گنجینه های مکتوم آن بیش از پیش روشن می شود. در این رساله با هدایت غزالی و روایت سفر مسافر طریق از اسفل السافلین تا اعلی علین راهی می شویم تا به سرگنج مقصود و بالاترین شاخه شجره طیبه معرفت دست یابیم و بدانیم که به قول غزالی «مسافر همیشه مخالف مقیمان باشد، و بیشتر خلق مقیم باشند و مسافر نادر بود». سفری که با قوام علم و عمل در قول «لا اله الا الله» آغاز و با گذر از دریای «لا اله الا الله» به انجام می رسد، تا رهروان طریقت را میزانی باشد تا بدانند که کلمه طیبه همین قول است و عیار عقیدت همه مردمان را می توان با آن سنجید. و بدانیم که مقصود غزالی از نگارش این رساله هم به دست دادن میزان و ترازویی برای سنجش عقیدت هاست. کاری که وی پیش از این در کتاب های معیار العلم و میزان العمل به آن پرداخته بود و اینجا با نگاشتن مکتوبی دیگر به زبان پارسی و در فضایی خیال انگیز و با زبانی ادیبانه به این مهم می پردازد.

مقدمه

سال شمار زندگی امام غزالی

۴۵۰ هجری: تولد حجت الاسلام ابو حامد محمد بن محمد بن احمد غزالی طوسی در شهر طوس. شهر طوس در این زمان از لحاظ بزرگی شهر دوم خراسان محسوب می شد. او در این شهر نزد احمد بن محمد رادکانی فقه آموخت و پس از آن به جرجان سفر کرد و نزد امام ابو نصر اسماعیلی تعلیق در فقه آموخت و سپس دوباره به طوس بازگشت. در همین سالها او به نیشابور رفت و در نظامیه این شهر در زمره دانشجویان امام الحرمین جوینی قرار گرفت. آشنایی غزالی با تصوف از طریق ابوعلی فارمدی طوسی (۴۰۷ - ۴۷۷ ه.ق.) همشهری او بود که او را زبان فاخر خراسان و لسان الوقت نامیده بودند (غزالی، ۱۳۶۸: ج ۲/ ۳۴ و ۱۵۶)، (غزالی، ۱۳۷۷: ج ۴/ ۳۰۴)، (هجوی، ۱۳۸۳: ۲۱۱). نقش برادرش احمد غزالی آن شوریده عاشق را نیز در این امر نباید نادیده گرفت.

۴۷۸ هجری: درگذشت ابوالمعالی عبدالملک جوینی استاد نظامیه نیشابور و استاد غزالی. جوینی در سال ۴۷۸ هجری از دنیا رفت و بعد از درگذشت او غزالی مورد عنایت خواجه نظام الملک وزیر ملک شاه سلجوقی قرار گرفت.

۴۸۴ هجری: تدریس در نظامیه بغداد به دعوت خواجه نظام الملک تا سال ۴۸۸ هجری.

۴۸۷ هجری: آغاز تغییر احوال غزالی که به مدت شش ماه ادامه داشت.

۴۸۵ هجری: قتل نظام الملک توسط جوانی از اسماعیلیه.

۴۸۸ هجری: در این سال غزالی تدریس در نظامیه بغداد را ترک کرد و راه زهد و ریاضت را پیش گرفت. وی از برادرش احمد خواست تا به نیابت از او در نظامیه بغداد تدریس کند.

۴۸۹ هجری: از سفر خود به بیت المقدس و مزار ابراهیم به دمشق بازگشت و در مناره غربی جامع اموی به اعتکاف پرداخت. در این زمان او در طول روز از مناره غربی بالا می‌رفت و در آنجا را به روی خود می‌بست و به عبادت و ریاضت می‌پرداخت. کتاب/حیا، علوم الدین را در این سال به پایان رساند.

۴۹۸ هجری: در این سال غزالی از بیت المقدس به حجاز رفت و پس از ادای مناسک حج و زیارت مشاهد متبرکه پس از حدود ده سال ریاضت و خلوت راه خراسان را درپیش گرفت و به طوس بازگشت.

۴۹۹ هجری: به اصرار فخرالملک پسر نظام الملک در نظامیه نیشابور به تدریس پرداخت. کتاب/المتقذ من الضلال را در همین سال تحریر کرد. وی مدت یک سال در نظامیه نیشابور به تدریس پرداخت.

۵۰۰ هجری: فخرالملک علی پسر نظام الملک در دهم عاشورا کشته شد و قتل او همچون پدرش به دست یکی از افراد باطنیه بود. احتمالاً غزالی پس از مرگ فخرالملک تدریس در نظامیه نیشابور را رها کرد و به خانه خود بازگشت و در جوار خانه‌اش مدرسه ای برای طلبه‌ها و خانقاهی برای صوفیه ایجاد کرد.

۵۰۵ هجری: وفات ابو حامد غزالی در طوس. وی در خانه و خانقاهش به خاک سپرده شد.^۱

جایگاه غزالی در تاریخ و فرهنگ اسلامی

از گذشته تا امروز بزرگان علم و ادب بارها از ابو حامد محمد غزالی به عنوان یکی از برجسته‌ترین افراد تاریخ و فرهنگ اسلام یاد کرده‌اند. در صدساله اخیر میزان توجه به این اندیشمند برجسته افزونی یافته و در باب احوال و آثار وی کتاب‌ها نوشته شده است.

۱. در تدوین این سال‌شمار از مقدمه کتاب مؤلفات الغزالی نوشته عبدالرحمن بدوی و کتاب فرار از مدرسه عبدالحسین زرین کوب استفاده شده است.

پژوهشگران ایرانی و خارجی ضمن تحلیل آثار او نتوانستند از ستایش منش و روش او در طی زندگی کوتاهش و یا در طول آثار فراوانش خودداری کنند. در اینجا برخی از آن سخنان که بیانگر جایگاه عظیم وی در فرهنگ و ادب اسلام و ایران است یاد می‌شود: مارگارت اسمیت^۱ در پایان کتابی که درباره غزالی با عنوان «غزالی عارف^۲» تألیف کرده می‌نویسد:

«جایگاه غزالی در تاریخ تصوف مقام اندیشمندی است که آموزه‌های تصوف را سازماندهی می‌کند و به آن شفافیت و دقت می‌بخشد و با تأثیر بزرگی که پس از خود می‌گذارد تعالیم صوفیانه را به عنوان اصلی اساسی و عنصری آشکار در اسلام به زمانه پس از خود می‌قبولاند. او بود که می‌خواست مردمان را از طریق تصوف به شناخت خدا برساند. او معتقد بود که دین حقیقی باید جزوی از تجربه شخصی هر فرد باشد، همانطور که آموزه‌های وی آشکارا نتیجه تجربه‌های روحانی خود او و انعکاسی از زندگی درونی‌اش بود. پیشوایی او پذیرفته شد و بزرگان او را یکی از برجسته‌ترین صوفیان بشمار آوردند و او را یکی از دوستان خدا نامیدند، پیامبر دوم که کتابش احیا، می‌توانست قرآنی دیگر باشد» (smith, 1944:236).

عبدالرحمن بدوی در آغاز کتابش با عنوان *مؤلفات الغزالی* وی را به ارسطو تشبیه می‌کند و او را یکی از چهره‌های برجسته تفکر انسانی به حساب می‌آورد. از جمله کسانی که مقام بلندی را چه در طول دوران حیات و چه پس از مرگ‌شان در میان مردم داشته‌اند (بدوی، ۱۹۷۷: ۹).

مونتگمری وات که کتابی مستقل درباره زندگی و احوال و آثار وی نوشته است او را مسلمان روشنفکر^۳ می‌نامد و همین عبارت را عنوان کتابش قرار می‌دهد (Watt, Montgomeri: 1963).

1. Margaret Smith
2. Al-Ghazali The Mystic
3. Muslim Intellectual

هانری کربن شرق شناس برجسته غزالی را اینگونه معرفی می کند:

«یکی از نیرومندترین شخصیت ها و قوی ترین متفکرانی بوده است که در اسلام ظهور کرده اند و لقب پرافتخار حجت الاسلام که به معنی دلیل و ضامن اسلام است مؤید همین معنی است» (کربن، ۱۳۸۹: ۲۴۲).

جلال الدین همایی در مقدمه غزالی نامه درباره وی می نویسد:

« غزالی یکی از متفکرین بزرگ است که آرا، و عقایدش در تاریخ انقلاب فکری بشر موقعی عظیم دارد (همایی، ۱۳۹۷: ۹).

اریک اورمزی^۱ که کتابی با عنوان غزالی احیاگر اسلام^۲ نوشته است در پیشگفتار کتابش چنین توصیفی از غزالی و آثارش دارد:

«وسعت، ظرافت و نفوذ آثار غزالی می سزد تا او را در شمار شخصیت های بزرگ اندیشه، در کنار بزرگانی همچون آگوستین و موسی بن میمون، پاسکال و کی یر کگارد جای داد» (اورمزی، ۱۳۹۶: ۱۱).

فرانک گریفیل در مدخل غزالی در دانشنامه فلسفی استنفورد از غزالی چنین یاد می کند:

«غزالی از برجسته ترین و مؤثرترین فلاسفه، متکلمان، فقها و عرفای مذهب تسنن اسلامی بوده است... رویکرد غزالی برای حل تضادهای ظاهری بین عقل و شهود تقریباً از طرف تمام متکلمان متأخر مسلمان پذیرفته شد و از طریق آثار ابن رشد و نویسندگان یهودی، تأثیر ژرفی بر اندیشه لاتین قرون وسطی گذاشت» (گریفیل، ۱۳۹۹: ۱۹).

عبدالحسین زرین کوب در کتاب فرار از مدرسه بیش از هر چیز به روش زیستن او پرداخته و زندگی او را زندگی قهرمانانه نامیده است:

«زندگی مردی که دنیای اسلام را از توقف در چون و چرای متکلمان، از محدود ماندن در کوته فکری‌های فقیهان، از گرایش به گستاخی‌های باطنیان بازداشت برای تمام پارسایان نمونه یک زندگی مقدس تلقی شد. زندگی او به دنیای اسلام آموخت که به خاطر آنچه انسان آن را حقیقت می‌خواند می‌توان همه چیز دیگر را فدا کرد. جرئت و همت بی‌نظیری که او در فرار از مدرسه و در رهایی از آنچه به گمان وی عصر و محیط وی را تباه کرده بود نشان داد، چنان عظیم بود که زندگی او را در نظر تمام نسل‌های آینده می‌تواند یک زندگی پرمایه و بی‌همتا جلوه دهد. زندگی یک قهرمان» (زرین کوب، ۱۳۶۴: ۲۰۸).

آثار غزالی

غزالی را یکی از پر تألیف‌ترین حکمای عالم اسلام دانسته‌اند. تعدد آثار وی از کتاب‌ها و رساله‌ها آن اندازه بوده است که کتابشناسی‌هایی برای آثار او ترتیب داده شود. یافعی در *مرآة العجنان* وی را سیدالمصنفین لقب داده است (نقل از همایی، ۱۳۹۷: ۲۴۱). وی آثارش را به دو زبان عربی و فارسی نگاشت که البته نگارش‌های فارسی وی مربوط به سال‌های پایانی عمر کوتاهش هنگام اقامت در خراسان بوده است. غزالی در یکی از مکاتیب فارسی‌اش تعداد کتاب‌های خود را بیش از هفتاد می‌شمرد و این احتمالاً غیر از رساله‌های کوچکی بوده که به مناسبتی آنها را تحریر کرده است. جمیل بک که کتابی در ذیل *كشف الظنون* نوشته، در کتابی با عنوان *عقود الجواهر فی تراجم من له خمسون مصنفاً فمائنه فأكثر* که درباره آن دسته از نویسندگان عالم اسلام است که بیشترین آثار را داشته‌اند، نام غزالی را بر پیشانی کتاب خود می‌آورد و از تألیفات عدیده وی که بیش از صد اثر بوده است یاد می‌کند. عبدالرحمن بدوی در کتاب *مؤلفات الغزالی* نیز به معرفی آثار وی می‌پردازد. اهمیت کتاب بدوی در دسته‌بندی‌ای است که انجام می‌دهد تا صحت انتساب آثار منسوب به وی را بررسی کند. طبقه‌بندی وی از این قرار است:

قسم اول: کتاب‌هایی که صحت انتساب آنها به غزالی قطعی است. وی ۷۲ اثر را در این مجموعه جای می‌دهد. بدیهی است که مهم‌ترین و مشهورترین آثار وی چون *احیاء علوم الدین*، *کیمیای سعادت*، *مقاصد الفلاسفه*، *تهافت الفلاسفه* و *المنقذ من الضلال* در این بخش جای دارند.

قسم دوم: کتاب‌هایی که در انتساب آنها به غزالی شک و تردید وجود دارد. وی نام آثاری را در شماره‌های ۷۳ تا ۹۵ می‌آورد و در این بخش بیست و دو رساله و یا کتاب را جای می‌دهد.

قسم سوم: کتاب‌هایی که ترجیحاً از غزالی نیستند از شماره ۹۶ تا ۱۲۷ در این مجموعه قرار گرفته‌اند که بیشتر این آثار در علم سحر و طلسمات نوشته شده‌اند.

قسم چهارم: انواع کتاب و یا رساله‌های غزالی که به صورت اثر مستقلی در آمدند و یا کتاب‌هایی که نام‌های مختلفی دارند از شماره ۱۲۸ تا ۲۲۴.

قسم پنجم: کتاب‌های منحول که منظور کتابهایی است که از غزالی نیست ولی با نام وی شهرت یافته است. از شماره ۲۲۵ تا ۲۷۳.

قسم ششم: کتاب‌های مجهول الهویه که در شماره‌های ۲۷۴ تا ۳۸۰ در این کتاب آمده است. کتاب *میزان العقاید* در این مجموعه قرار دارد. (بدوی، ۱۹۷۷: ۴۱۸)

در قسمت هفتم از شماره ۳۸۱ تا ۴۵۷ نسخه‌های خطی موجود و منسوب به غزالی آمده است.

ذکر نام کتاب *میزان العقاید* در میان کتابهای مجهول الهویه نشانگر آن است که بدوی نسخه‌ای از آن را سراغ نداشته و ندیده است. عبدالرحمن بدوی متذکر می‌شود که بویج^۱ از آن کتاب در کاتالوگی که فهرست آثار غزالی را آورده یاد کرده است. همچنین مأخذ بدوی برای ضبط این اثر کتاب *عقود الجواهر فی تراجم من له خمسون مصنفاً فمائمه فأكثر* نوشته جمیل بک معروف به ابن العظم است.

1. Maurice Bouyges. Essai de chronologie des oeuvres de al Ghazali. Edite et mis a jour par Michel Allard. 1959. Imprimerie Catholique Beyrouth.

جمیل بک نویسنده کتاب عقود الجواهر در ابتدای کتاب یادآور می‌شود که وی در مدتی که به جمع ذیل کتاب کشف الظنون^۱ - السرا المصون ذیل علی کشف الظنون - مشغول بوده است تصمیم می‌گیرد تا شرح احوال دانشمندانی را که آثارشان بیش از پنجاه کتاب تألیفی باشد در یک کتاب واحد معرفی و آثارشان را ذکر کند. (جمیل بک، ۱۳۲۶: ۲) غزالی نخستین کسی است که نامش در این کتاب می‌آید و مؤلفات وی به ترتیب حروف الفبا طبقه‌بندی و معرفی می‌شود. پس از غزالی، ابن عربی و ابن جوزی دیگر عالمانی هستند که جمیل بک احوال و آثار ایشان را در این کتاب جمع آورده است. ذکر نام کتاب میزان العقاید در میان آثار غزالی در کتاب عقود الجواهر (۱۳۲۶: ۱۱) خود نشانی از اطلاعاتی است که جمیل بک احتمالاً درباره این اثر داشته است. می‌دانیم که جمیل بک متولد استانبول بوده ولی در دمشق پرورش یافته و به زبان‌های ترکی، فارسی و عربی مسلط بوده است. احتمالاً وی با استفاده از فهرست نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های ترکیه به اطلاعاتی از این کتاب دست یافته است.

استاد عبدالحسین زرین کوب در پایان کتاب فرار از مدرسه تربیتی تاریخی برای تألیفات محمد غزالی پیشنهاد داده‌اند که در زیر خلاصه‌ای از ترتیب مهم‌ترین آثار وی می‌آید:

۴۸۷: مقاصد الفلاسفه

۴۸۸: تهافت الفلاسفه

۴۸۸: میزان العمل و معیار العلم، فضائح الباطنیه و فضائل المستظهریه، الاقتصاد فی

الاعتقاد

۴۸۹ - ۵۰۰ هجری تألیف/حیا، علوم الدین

۱. تاکنون بر کتاب کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون تألیف حاجی خلیفه که از مهمترین آثار در حوزه کتابشناسی است ذیل و تكملة و تعلیقاتی چند نوشته شده است. سر المصون ذیل علی کشف الظنون نوشته جمیل بک ابن اعظم (۱۸۷۳ - ۱۹۳۳) یکی از آن آثار است.

۴۹۲: تحفة الملوک

۴۹۹: مشکاة الانوار، کیمیای سعادت (فارسی)

۵۰۰: المقصد الاسنی فی شرح معانی اسما، الله الحسنی

۵۰۱: المنقذ من الضلال

۵۰۳: نصیحة الملوک (فارسی)

۵۰۵: الحجام العوام عن علم الکلام

همانطور که ملاحظه می کنید تألیف مهمترین آثار فارسی غزالی در سالهای اقامت در نیشابور و یا طوس بوده است.

رساله های فارسی غزالی

آثار فارسی غزالی مربوط به سال های بازگشت به خراسان است و احتمالاً در دورانی نوشته شده که غزالی در نظامیه نیشابور به تدریس معارف اسلامی مشغول بوده و مخاطبانی فارسی زبان داشته است. به نظر می رسد غزالی در سال های بازگشت به خراسان به ترجمه آثار پیشین خود در موضوع اخلاق و عرفان روی می آورد. نگارش کتاب کیمیای سعادت که مهمترین اثر فارسی غزالی است و ترجمه و مختصر احیاء علوم الدین بشمار می رود احتمالاً در حدود سال ۵۰۰ هجری به پایان رسیده باشد. تاریخ نگارش نصیحة الملوک هم بنابر نظر جلال الدین همایی احتمالاً «در ایام اقامت وی در طوس و مابین سنوات ۵۰۰-۵۰۵ هجری و بعد از تألیف احیاء العلوم و کیمیای سعادت و به بعض قرائن در حدود سال ۵۰۲-۵۰۳ بوده است» (همایی، ۱۳۶۸: صدو بیست) رساله زاد آخرت هم که از دیگر آثار فارسی غزالی است احتمالاً در همین دوران نوشته شده باشد. زاد آخرت ترجمه ای فارسی از دیگر کتاب غزالی با عنوان بدایة الهدایه است (ساکت، ۱۳۹۸: نوزده). با توجه به اینکه تاریخ تألیف بیشتر نامه های فارسی غزالی هم مربوط به همین ایام است می توان ادعا کرد که فارسی نویسی غزالی پس از بازگشت به خراسان بوده و تا پیش از آن

تمامی نگارش‌های وی به زبان عربی بوده است. بنابراین می‌توانیم حدس بزنیم که *میزان العقاید* هم در سالهای سکونت در خراسان و پنج سال پایانی عمر وی نوشته شده باشد.

عبدالرحمن بدوی که در کتاب *مؤلفات الغزالی* آثار غزالی را بررسی می‌کند کتاب‌های کیمیای سعادت، *زاد آخرت*، و *نصيحة الملوك* را در زمره آثار فارسی وی جای داده است (بدوی، ۱۹۷۷). کیمیای سعادت روایتی خلاصه و فارسی شده از کتاب بزرگ و جامع *احیاء علوم الدین* است. این کتاب را پیش از این حسین خدیو جم تصحیح و منتشر کرده است. رساله *زاد آخرت* دیگر کتاب فارسی نگاشته غزالی است که اخیراً سلمان ساکت و همکار آن را تصحیح و منتشر کرده‌اند. و مکاتیب فارسی غزالی با عنوان *فضائل الانام* که توسط یکی از شاگردان و یا خویشان غزالی پس از وفات وی جمع آمده است و در سال ۱۳۳۳ به همت عباس اقبال منتشر شد.^۱ کتاب *نصيحة الملوك* دیگر اثر فارسی غزالی است که هرچند استاد همایی، مصحح اثر، در صحت انتساب آن به غزالی تشکیک کرده است اما خود وی بخش نخست کتاب را بی‌هیچ شکی از غزالی می‌داند.

نصرالله پورجوادی هم در کتاب *دومجدد* که درباره دو شخصیت برجسته تاریخ اسلام غزالی و فخررازی نوشته شده برخی نامه‌ها و فتوای غزالی را منتشر کرده و دو رساله با عنوان «*رساله در بیان حماقت اهل اباحت*» و «*مکتوب غزالی درباره اهل اباحت*» را در آن کتاب تصحیح و منتشر کرده است. کتاب *میزان العقاید* تاکنون به زیور نشر آراسته نشده است. این رساله شاید به سبب نام عربی‌اش کمتر مورد توجه فارسی‌زبانان قرار گرفته، و یا اینکه نسخه‌های متعددی از آن در دست نبوده است. درضمن اینکه غزالی در هیچیک از آثارش به نام این اثر اشاره نکرده، در حالی که وی مطابق عادت معهودش از آثار دیگر خود درضمن نوشتجاتش ذکر می‌آورد، پس احتمال دارد که این اثر در زمره نگاشته‌های غزالی باشد که در ماه‌های پایان عمر تألیف کرده است. درضمن در یکی

۱. اخیراً (۱۳۹۹) تصحیح تازه‌ای از آن به تصحیح پریا زواره بیان توسط انتشارات زوار منتشر شده است.

از دستنویس‌های میزان/العقاید اشاره به دو کتاب دیگر غزالی یعنی معیارالعلم و میزان العمل وجود دارد.^۱

روایت غزالی در رساله میزان العقاید

مهمترین مقصد و مقصود غزالی در بیشتر آثارش روشن کردن مسیر خوشبختی برای جماعت مردمانی است که با مطالعه آثار وی راه‌های رسیدن به سعادت را بیابند. نام کتاب کیمیای سعادت بیانگر اهتمام وی به این امر است. سعادت و شقاوت همواره از موضوعات مورد بحث اهالی علم بوده است. اخوان الصفا گویند:

«سعادت بر دو نوع است: سعادت دنیوی و سعادت اخروی. سعادت دنیوی عبارت از این است که هر موجودی باقی بماند بر طولانی‌ترین زمان ممکن بر بهترین حالات ممکن و تمام‌ترین نتایج؛ و سعادت اخروی آنکه هر نفسی باقی بماند تا ابدالآباد بر بهترین حالت خود» (ج ۱/ ۲۴۶ نقل از سجادی، ۱۳۴۱: ۲۹۷).

رساله میزان/العقاید با قول «لا اله الا الله» آغاز می‌شود و با همین عبارت پایان می‌یابد. گویا غرض غزالی از بیان شجره طیبیه همان کلمه طیبیه «لا اله الا الله» باشد. وی در ابتدای رساله می‌نویسد: «عقیده دل‌ها به علم و عمل ثابت و قوام این هر دو اصل در قول «لا اله الا الله» مندرج (← ۱). و در بند ۲۴ رساله در عبارت‌های پایانی کتاب دوباره به قول «لا اله الا الله» برمی‌گردد: «و آنکه از نور عقیدت پاک به وادی کلمه طیبیه در آید و در دریای «لا اله الا الله» گذاره کند و به زیر شجره طیبیه آید...» (← ۲۴). با عنایت به این دو عبارت می‌توان

۱. در نسخه مشهد در بند (۱) آمده است که: و با بیان این کلمه «لا اله الا الله» در کتاب علم و عمل که در بیان کلمه طیبیه است شرح داده ایم و خلاصه توحید که حق محض است از رغوة شک و شرک که باطل عرفی است در آنجا پیدا کرده و چون ایزد - تعالی - توفیق داد و سعادت آسمانی روی نمود و خواستیم تا چنانکه کلمه طیبیه را بیان کردیم شجره طیبیه را بیان کنیم تا عقیدت‌ها بدان درست گردد و مانند ترازو باشد که عیار هم بدان پیدا شود

دریافت که مقصود غزالی از میزان العقاید نشان دادن سعادت اخروی با درک کلمه «لااله الا الله» است.

غزالی در ابتدای رساله و بر سرِ اولین شاخهٔ این شجرهٔ طیبیه «نطق» را می‌نشانند و آن را اساسی‌ترین وجه فارق میان آدمی و بهائم می‌خوانند و در باب حقیقت سخن سخن می‌رانند. وی حقیقت روح را نطق می‌نامد که: «در آینهٔ آن صدهزار سخن ناگفته باشد که تا بر قول نیایند آشکار نشوند و قدر آدمی که به نطق است پیدا نشود». وی در ادامه در باب ثمرهٔ نطق که «سیادت» است چنین می‌نویسد که: «سیادت افراد آدمی بر یکدیگر و مهمتری ایشان در شرف سخن است». نطق و قول و سخن و سیادت کلمات کلیدی این بخش است.

غزالی شاخهٔ دوم درخت طیبیه را شاخهٔ «عقل» می‌داند که وجود اولی و اشرفِ جواهر و آینهٔ قدس است. فقط عقل است که لذت معرفت ابدی نصیب اوست زیرا که در حضرت الوهیت حاضر است و همواره به مشاهدهٔ جمال عزت مشغول. او دیده‌بان حضرت حق است. نویسنده ثمرهٔ عقل را «مروت» می‌داند و بی‌مروتی را تقصیر در خدمت حق. «زیرا که آن کسی که سبب وجود و رزق و حیات و سعادت همگان به وی است بی‌مروتی بود در خدمت او تقصیر کردن». عقل و جوهر و مروت واژه‌های کلیدی این فصول هستند.

غزالی بر شاخهٔ سوم درخت طیبیه «علم» را می‌نشانند و آن را نزد حق - تعالی - شریف‌تر از عقل می‌داند زیرا که خداوند را عالم گویند و عاقل نگویند، ولی در مورد آدمیان این طبقه بندی را صحیح نمی‌داند و نزد ایشان عقل را شریف‌تر از علم می‌داند زیرا معتقد است که آدمیان بواسطهٔ عقل است که می‌توانند به علم دست یابند. غزالی مطابق سنت نگارشی خود که بهره‌وری از مثال و تمثیل است در این بند می‌نویسد که «عقل بر مثال دیده است و علم به مثال دیدن و همچنین عقل به مثال راه است و علم به مثال مقصد». وی البته شرف رهروان را نه به مقصد که به راه می‌داند و نشانِ عالم را دور بودن وی از کبر و عُجب، و

ثمره علم را «تواضع» می خواند. که «آدمی هر چند احمق تر، متکبر تر و هر چند عالم تر، متواضع تر». علم و عقل و تواضع واژه های کلیدی این بند هستند.

«حکمت» از نظر غزالی در مرتبه و شاخه چهارم جای دارد. ترکیبات «چشمه حکمت» و «معدن حکمت» و «آفتاب حکمت» و «نور حکمت» که در این بند جای دارند مفهوم زیبایی شناسانه حکمت از نظری را باز می نمایند. غزالی حکمت را آفتابی می داند که به مدد عنایت الهی در دلی طلوع می کند که آن دل حق عقل و علم را بیابد و در هر دل که آفتاب حکمت بتابد آن دل روشن گردد و به مدد شعاع آن نور از ظلمات ضلالت نجات یابد و به نور هدایت رسد. وی در بیانی تمثیلی رابطه میان علم و عقل و حکمت را چنین بیان می کند: «مثال عقل چون دانه است و مثال علم چون درخت و مثال حکمت چون میوه». و ثمره حکمت و دستاورد آن برای حکیم «شرف» است.

استناد به اقوال رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) در رساله میزان العقاید بسیار است. در باب حکمت و شرف ناشی از آن در بند دهم قولی از علی (ع) نقل می شود که فرمودند شریف ترین مردمان حکیم ترین ایشان است.

شاخه پنجم درخت طویه شاخه «فکرت» است و تفکر حرکت دل است. در این بخش غزالی حرکت دل را به گام سپردن فردی در بادیه تشبیه می کند که برای طی مسافت به ناچار آن سرزمین را به پا می پیماید. وی عالم آخرت را دریایی می داند که فکرت در آن شناگری می کند تا از آن در معنی و جواهر اسرار غیبی صید کند زیرا که اگر فکرت نبود آدمی را بهره ای از عالم غیب نبود. «ثمره فکرت بصیرت است و سبب نجات آدمی از ضلالت در عالم بصیرت است». «و آدمی به بصیرت قدر و شرف یافته است و بصیرت خاص آدمی راست که چون فکرت کند در چیزی، سر آن هر چند زیاده تر به دیده بصیرت بیند».

شاخه ششم این درخت طویه «همت» است. غزالی برترین اخلاق حمیده از خصال آدمی را همت می داند. همت را جنباننده چیزها در طلب کمال می خواند و ثمره آن را

«سَخاوت» می‌داند که به نظر او از خصلت‌های آدمی هیچ بهتر از سخاوت نیست. غزالی در این بند سخاوتِ علما و حکما و اهل دنیا را چنین برمی‌شمرد: «سَخاوتِ علما بذلِ علم است بی‌ریا، و سَخاوتِ حکما بذلِ حکمت است بی‌هوا، و سَخاوتِ اهل دنیا بذلِ مال است بی‌منت».

شاخهٔ هفتم درخت طَیِّبه «معرفت» است. از نظر غزالی معرفت حقیقت شناختن چیزهاست که جز به فکر و بصیرت حاصل نمی‌شود. ثمره‌ای که بر شاخ معرفت نشسته «شُکر» است و شُکر را زیوری پسندیده می‌بیند که تخم سعادت و اصل دولت و نیکبختی است. مباحث مربوط به شکر در این رساله شباهت فراوانی با مطالب کتاب کیمیای سعادت و احیا، علوم الدین دارد.

شاخهٔ هشتم درخت طَیِّبه «اخلاص» است. کلمات کلیدی در این بند اخلاص و نیت هستند که غزالی نشان اخلاص را نیت درست می‌داند. وی معتقد است که: «هر دل که به اخلاص آراسته شد آفتاب حکمت در وی طلوع کند». واژهٔ دیگری که در کیمیا و احیا همراه با اخلاص ذکر می‌شود «صدق» است که در این رساله ثمرهٔ اخلاص برشمرده شده است. غزالی ابتدای اخلاص را با نیت، و کمال آن را در صدق می‌داند. دو واژهٔ مقابل اخلاص و صدق، نفاق و ریاست که در زمرهٔ رفتار شیطانی برشمرده می‌شوند. غزالی می‌نویسد نشانه مؤمن اخلاص، و صفت مخلص صداقت است.

شاخه و ثمرهٔ نهم «محبت» و «عشق» هستند. اصل نهم در کیمیا و احیا هم محبت و شوق و عشق است. در این بند هم واژه‌های کلیدی مودت و شوق است. غزالی مراتب محبت را از الفت ارواح و مودت و موافقت آغاز می‌کند تا به مرتبهٔ شوق برسد و مرتبهٔ بالاتر از آن را محبت و مرتبهٔ عالی و آخر آن را عشق می‌داند و در باب هر یک سخن می‌گوید. با توجه به این درجه بندی ثمرهٔ محبت عشق است که موجب حرکت هستی و تمامی موجودات است. غزالی از وجود عشق در معدنیات و نباتات و حیوانات و آدمی و افلاک و ستارگان سخن می‌گوید، و اینکه حرکت تمامی موجودات عالم به سبب عشق

است و «هیچ موجود نیست الا که عشقی در طبیعت دارد».

شاخه دهم و آخرین و بالاترین مرتبه که نتیجه محبت است «رضا» نام دارد. از نظر غزالی هر روحی که محل محبت حق شود به احکام و مقدورات الهی راضی شود و این مرتبه را نهایت مراتب تعالی می‌داند زیرا «عدل» نتیجه و ثمره آن است که هر که بدین مرتبه رسد بر ظاهر و باطن خود به عدل ولایت راند تا «تکبر به تواضع، و ریا به اخلاص، و بخل به سخاوت، و غفلت به بصیرت، و حقارت به سیاست، و جفا به وفا، و ظلمت به صفا مبدل شود».

غزالی سپس فصل مستقلی را در «عدل» و ثمره آن که «ولایت» است می‌آورد و ضرورت پیروی از آن را هم در عالم نفسانی، و هم در عالم بیرونی ذکر می‌کند. «هر که عادل بود همیشه والی بود و ولایت بر حد عدل می‌رود و عدل در خور سیاست باشد و سلامت دنیا و سعادت عقبی از عدل بود».

غزالی در فصل «در خاتمت رساله» خلاصه و نتیجه‌ای از مطالب رساله را در منظر خواننده قرار می‌دهد. وی راه رسیدن به مراتب حقیقت را جز از طریق گذر از پایه‌ها و شاخه‌های این درخت و بهره‌وری از میوه‌های آن نمی‌داند چرا که بلوغ آدمی گذر از وادی کلمه طیبه و دریای «الا اله الا الله» است.

غزالی در این رساله کوتاه تلاش می‌کند تا از تمامی زیبایی‌های هستی، از عالم مجردات و موجودات سخن گوید و مسافر نوپای خود را تا رسیدن به حقیقت کلمه و نطق هدایت کند تا بر سر درخت طیبه از هر شاخه‌ای ثمره‌ای بردارد که هریک را طعمی دیگر و شکلی دیگر و لذتی دیگر و حلاوتی دیگر است. غزالی در این رساله مسیر رهروی طریق را به بالا رفتن از شاخه‌های درخت و خوردن ثمره و میوه‌های آن تشبیه می‌کند و با آوردن مثال درخت طیبه و شاخه‌های آن که از آیه شریفه اَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ... ابراهیم/۲۴. از قرآن کریم اقتباس می‌کند تصویری سمبولیک و نمادین از طریقت ارائه می‌دهد.